

## ضرورت تشکیل سریع و کاربرد:

### جبهه جمهوریخواهان ایران جمهوری عرفی، دمکراتیک و مردمسالار

#### هم میهنان آزاده و جمهوریخواه:

در حال نوشتن این نامه به شما بودم که نوشته ای را از آقای کورش عرفانی از طریق ای میل (Email) دریافت کردم. من کورش عرفانی را ندیده ام و احدی تاکنون در مورد او با من حرفی نزده است. اگر حافظه ام با من یاری کند و دچار اشتباه نشده باشم به یاد می آورم که او چند سال قبل یک یا دو نوشته انتقادی در باره مطلب هائی که من نوشته بودم روی اینترنت منتشر کرده بود، ولی نقشی که وی در اثر آن انتقادها در ذهن من باقی گذاشت این بود که (1) او درست می گفت و آن انتقادها به نوشته من وارد بود (2) مطلبی که من نوشته بودم چندان رسا نبود و انتقادش در ذهن من سوء تفاهمی بیش نبود. حال که تاریخچه آشنائی خود با او را نوشتم تا چیزی را از شما پوشیده نگاه ندارم، باید بدون کمترین تعارف و تکلف های معمول ولی بی مورد و ناپسند که در اثر رسوب فرهنگ شوم استبداد در طرز صحبت و مراوده ما با یکدیگر ریشه ای بس زیانبخش دوانده در باره کورش عرفانی (برای هم میهنانی که او را نمی شناسند) بگویم که وی یک انساندوست تمام عیار است و در راه انساندوستی تلاشی بی وقفه می کند به طوری که کم تر روزی است که کسی سراغ مطالب فارسی در رابطه با اوضاع نا بسامان و پریشان مردم ایران و تمامی ایران در شبکه اینترنت برود و مطلب و موضوعی را از او نیبند. مطالبی که او می نویسد سرشار از اطلاعاتی است که نشان می دهد او بدون مطالعه مطلبی را نمی نویسد. مطالب او نشان از درک صحیح و دقیق از اوضاع داخلی ایران و در عین حال اوضاع جهانی نویسنده دارد. نشانه های دیگری را که در نوشته های او می توان یافت صداقت، صمیمیت با مردم و شهامت، و بی باکی او در نوشتن مطالبی است که خیلی از دشمنان ایران آن ها را بر نمی تابند.

وقتی نوشته او را خواندم با خود گفتم آنچه را که من در ذهن برای نوشتن داشتم و نمی دانستم از کجا شروع و در کجا مطلب را خاتمه دهم کورش عرفانی چه خوب، چه مستدل و محکم نوشته است. او به قول معروف " بر سر چه بزنگاهی به دادم رسیده بود". ملاحظه کنید نوشته او را عینا در زیر در معرض دید و قضاوت شما عزیزان می گذارم. من هیچگاه نمی توانسم مطالب انباشته شده در ذهنم را چنین شیوا بنویسم. او چنین نوشته است:

لطفا به صفحه بعد مراجعه کنید

# جبهه جمهوریخواهان راه مقابله با اشغال سیاسی ایران

کورش عرفانی

korosherfani@yahoo.com

چندی پیش ریچارد پرل، از مشاوران ارشد پنتاگون و از طراحان استراتژی نوسازی آمریکایی خاورمیانه تغییر رژیم در ایران را امری حتمی دانسته بود که بستگی به زمان دارد. اما در اختلاف با سناریوی آمریکا در عراق، وی برای ایران عمل نظامی را ضروری ندانسته و می گوید: "تغییر رژیم در ایران توسط ایرانیان آغاز شده است، ایرانیانی که دوستی (سمپاتی) خود را نسبت به آمریکا نشان داده اند." در این گفته ریچارد پرل چند نکته مهم نهفته است:

- (۱) آمریکا پس از عراق در صدد ایجاد تغییر رژیم در ایران خواهد بود.
- (۲) این تغییر آفرینی دارای وجه نظامی نخواهد بود.
- (۳) توجه آمریکا در ایران به سوی کسانی است که آرزوی استقرار یک جایگزین پروآمریکایی را دارند. باید بگوییم که نتیجه فضااحت بار عمل کرد نظامی آمریکا در عراق قطعاً فرضیه اشغال نظامی ایران را مردود می سازد، اما همه شواهد حکایت از آن دارد که آمریکا در صدد اشغال سیاسی ایران خواهد بود. قدم نخست برای این منظور خنثی کردن جایگزین های غیر مطلوب آمریکاست. لذا ایالات متحده، با همدستی انگلستان، از حضور نظامی خود در عراق استفاده کرده و تلاش خواهد نمود جایگزین رادیکال و انقلابی رژیم جمهوری اسلامی، یعنی ارتش آزادیبخش، را خنثی سازد. سپس می ماند اپوزیسیون حراف اما ناکارآمد خارج از کشور که به دلیل ضعفهای ساختاری و تاریخی خود در شکل کنونی اش، محکوم به نابودی است.

این عرصه خالی از جایگزین معتبر، دست آمریکا و شرکای اسرائیلی و انگلیسی او را باز خواهد گذاشت تا بدون مشکل، جایگزین مطلوب خود را تهیه، معرفی، حمایت و سرانجام تحمیل کنند. در داخل کشور مردمی که یک ربع قرن است جز فشار و فقر و بدبختی ندیده اند و امید نیز به اپوزیسیون شعارگرا و بی عمل ندارند، آمادگی آنها دارند که یا به گونه ای منفعل تماشاگر استقرار این جایگزین آمریکا ساخته باشند و یا حتی بطور فعال در خدمت فرایند استقرار آن شرکت کنند. اپوزیسیون خارج از کشور نیز که فاقد اعتبار جدی در چشم مردم است جز تماشاگر غرزن نقش دیگری را ایفاء نخواهد کرد. چنانچه امروز می بینیم صدها میلیون عرب یا مسلمان در سراسر جهان شاهدان ناتوان قتل عام برادران و خواهران خود در عراق هستند.

## ترکیب جایگزین آینده

اینکه ترکیب این جایگزین مطلوب آمریکا چه خواهد بود از حالا بطور نسبی قابل تصور است. بنظر من، این جایگزین ترکیبی از چهره های بظاهر وجیه المله و کاملاً هماهنگ با خط مورد نظر سرمایه داری آمریکا در منطقه خاورمیانه خواهد بود. بعید می دانم که آمریکا مشخصاً از یک جریان سیاسی اعلام حمایت کند، بلکه بیشتر معجونی از شخصیت های معنی دار را تدارک خواهد دید. اما این بدیهی است که این شخصیتها به جناحهای راست پروآمریکایی اپوزیسیون خارج از کشور و نیز بخش های از جناح اصلاح طلب، در معنای وسیع آن (ملی-مذهبی ها، دوم خردادیها و ...)، تعلق خواهند داشت. تشکیل این جایگزین همزمان خواهد بود با آغاز استراتژی تغییر آفرینی در ایران که وجوه زیر را شامل می شود:

لطفاً به صفحه بعد مراجعه کنید

## صفحه سوّم

- تهدید نظامی و احتمالا عملیات نظامی محدود و هدفمند (بظور مثال بمباران پایگاه اتمی بوشهر یا سایر سایت‌های اتمی به سفارش اسرائیل)،  
- محدودیتهای اقتصادی (اشکال تراشی در صدور نفت از خلیج فارس، تقاضای بلوکه کردن بولهای ایران در بانکهای بین‌المللی، گسترش تحریم‌ها...)  
- حمله سیاسی در سطح بین‌المللی و منطقه‌ای (طرح مسئله در سازمان ملل، فشار بر اتحادیه اروپا، تشویق کشورهای متحد خود به قطع رابطه دیپلماتیک با اقتصادی و ...)  
- بمباران تبلیغاتی (بکارگیری امکانات وسیع‌تر رادیو و تلویزیون برای تشویق مردم به حرکت ...  
- سازماندهی و جا انداختن عمومی جایگزین مطلوب خود.  
سناریوی مربوط به ایران، که من از آن تحت عنوان اشغال سیاسی ایران نام می‌برم، می‌تواند کمابیش با آنچه آمد مشابه یا متفاوت باشد، اما این مانع از آن نیست که هدف نهایی همانا کنار زدن جمهوری اسلامی در شکل فعلی خود و جایگزینی آن با حاکمیتی است که ضمن ایجاد احساس رهایی از شر رژیم اسلامی در نزد مردم، ساختارهای زیربنایی جامعه را حفظ کرده و در صحنه سیاسی و اقتصادی هماهنگ با جریان جهانی شدن سرمایه‌داری آمریکا در ایران و منطقه، عمل خواهد کرد.  
حاکمیت مطلوب واشنگتن، در ایران پس از جمهوری اسلامی، حکومتی است که روابط با آمریکا را از سر می‌گیرد، اسرائیل را به رسمیت می‌شناسد، ساختار طبقاتی جامعه را در خطوط اصلی آن حفظ می‌کند و مانع از گسترش و نزدیک شدن جریانهای رادیکال و انقلابی به نهادهای قدرت می‌شود.  
ایران فردا صادر کننده عمده نفت و سایر منابع طبیعی به آمریکا، اسرائیل و اروپا و بازاری مناسب برای کالاهای آنها خواهد بود. تلاش حکومت‌دست نشاندۀ آینده آن خواهد بود که بدون آنکه موجب بازگشت وسیع میلیونها ایرانی متخصص از کشورهای غربی به ایران شود وضعیت عمومی داخلی را با انکاء به متخصصین حاضر در کشور تغییر دهد. به همین ترتیب در مورد میلیاردها دلار سرمایه ایرانیان در خارج از کشور.

### چه می‌توانیم بکنیم؟

امروز که می‌دانیم سناریویی کمابیش شبیه این در انتظار مبین ماست باید دید ما بعنوان ایرانی، بعنوان مخالف رژیم و بعنوان فعال سیاسی چه می‌خواهیم بکنیم. آیا باز هم راه انفعال و تماشاچی بودن را پیش خواهیم گرفت یا آنکه دست به یک ابتکار جدی خواهیم زد؟ بنظر من این ابتکار در حال حاضر می‌تواند به سرعت شکل گیرد. اشاره من به طرح تشکیل جبهه جمهوریخواهان است.  
پس از آنکه ماه گذشته طرح تشکیل این جبهه مطرح شد به تدریج پیشنهادات و نظرات فراوانی در این باره ارائه گردید. با آغاز تجاوز نظامی آمریکا به عراق و آینده سیاهی که در انتظار این کشور است ضرورت بیش از پیش تشکیل یک جایگزین واقعی، و نه بر روی کاغذ، برای نجات کشورمان، ایران، مطرح شده است. امروز باید با این موضوع بسیار مسولانه برخورد کرد و آنرا تنها به مثابه طرحی در کنار سایر طرحها ندید. جنبش آشتی ملی چندی پیش در اطلاعیه‌ای، ضمن حمایت از تشکیل این جبهه، خطوط کلی آنرا نیز ترسیم کرده بود. هر ایرانی که این متن را می‌خواند می‌تواند با آن موافق یا مخالف باشد، اما همین قدر که این بیانیه ایده تشکیل جبهه را قدری مشخص‌تر باز کرده است، خود گامی به جلو محسوب می‌شود. بدیهی است همچنان که در این بیانیه نیز آمده است می‌توان به بحث و بررسی و مذاکره در باره آن پرداخت. در حال حاضر سایت چه باید کرد ([www.chebayadkard.com](http://www.chebayadkard.com)) در حال پی‌گیری جدی پیشنهادات موجود است و زمینه‌های عمل کردن آن کاملاً فراهم شده است.

باید این نکته را باور کنیم که هیچ زمانی یک پیشنهاد یا یک متن کامل و جامع و مانع وجود نخواهد داشت و همیشه کسی یا کسانی هستند که به این یا آن نکته پیشنهاد انتقادهایی داشته باشند. این کاملاً طبیعی است. حتی باید هم چنین انتقادگری وجود داشته باشد تا کار از تک بعدنگری درآید و غنا پیدا کند. اما این مانع از آن نمی‌شود که توافق اصولی برای همکاری و همسویی صورت

**لطفاً به صفحه بعد مراجعه کنید**

## صفحه چهارم

گیرد. کافیسست از مطلق نگری، خود محوری و دگم اندیشی خارج شویم تا دریابیم نقاط بسیار فراوانی بین ما ایرانیان مبارز خارج از کشور مشترک است. از همین روی اینک که ایده تشکیل جبهه جمهوریخواهان در حال انسجام یافتن است وظیفه تک تک افراد و نیز سازمانهای سیاسی ماست که بیایند و با حمایت و همکاری در این مسیر جبهه جمهوریخواهان را به واقعیتی ملموس تبدیل کنند و مشکل همیشگی نبود جایگزین فراگیر را حل نمایند.

این جبهه می تواند ضمن احترام به اندیشه کسانی که دیگر شکل های نظام سیاسی (مشروطه و ...) را خواهان هستند ایرانیان طرفدار نظام جمهوری را گرد آورده و آنها را به یک نیروی سیاسی قدرتمند و موثر تبدیل کند. در شرایط کنونی هیچ مانع عینی در این باره وجود ندارد، اگر مشکل و مانعی هست ذهنی و روانی است. عدم خودباوری، ناامیدی، عدم اعتماد، خودبزرگ بینی، خودمحوریتی و تک گرایی است که به بسیاری از ما اجازه نمی دهد به حمایت و اجرای این طرح بپردازیم. اگر بر این موانع ذهنی آگاه شویم و با آن مقابله کنیم به یقین مشکلات مادی و اجرایی کار به سرعت حل خواهد شد. فرصتهایی از این دست در تاریخ زیاد نیست. لحظه ای تصور کنیم اگر آمریکا تصمیم بگیرد ستاریوی ترازیک پس از عراق را، با حمایت مستی وطن فروش و قدرت طلب، برای ایران به اجرا در آورد. آیا باز هم خواهیم نشست و تماشاگر منفعل تعیین سرنوشت کشورمان، به دست بیگانگان، خواهیم بود؟ چنانچه در بالا گفتیم، حتی اگر این احتمال را منتفی دانیم که آمریکا در پی حمله نظامی به ایران باشد، بدون تردید در صدد اشغال سیاسی کشورمان بر خواهد آمد. یعنی به قدرت رساندن یک نیروی سیاسی غیر مردمی از طریق تبلیغات، تحریم اقتصادی، فشار سیاسی و تهدید نظامی. آیا این مطلوب ما ایرانیان مردم دوست است؟ آیا ما دموکراسی یا توسری یا یا مونتاژ آمریکایی را خواهیم پذیرفت؟ من از جانب خود پاسخ می دهم: هرگز.

جبهه جمهوریخواهان می تواند تبلور اراده جمعی ما برای بدست گرفتن سرنوشت ملی ایران باشد. به همین خاطر این طرح پشتیبانی کسانی را می طلبد که به اراده خود و مردمشان باور دارند. مردمی که اگر صداقت و درایت را در یک طرح ببینند به آن خواهند پیوست و از جایگزین ملی - میهنی که به منافع مردم ستمدیده می اندیشد حمایت خواهند کرد. میان، امروز، باز و خالیست. یا این میدان را نیروهای مردمی و میهن دوست پر خواهند کرد و یا حلقه به گوشان و نوکران متجاوزان امروز عراق و اشغالگران فردای ایران. انتخاب با ماست.

\* \* \* \*

چنانچه می بینید عنوان نوشته من

## ضرورت تشکیل سریع و کاربرد:

### جبهه جمهوریخواهان ایران

#### جمهوری عرفی، دمکراتیک و مردمسالار

بود که لزومی نداشت آن را عوض کنم. کوروش عرفانی به ضرورت های تشکیل جبهه جمهوریخواهان و کاربردهای حیاتی آن در وضعیت بحران کنونی جهان و در رابطه با مردمی که در درون مرزهای ایران با استیصال مطلق روبرو شده و بیش از توان یا حتی در مقایسه با ما مردم آواره در غربت به مراتب بیش از ما تاوان و جریمه داده اند به خوبی اشاره کرده است. آقای کوروش عرفانی در راستای جنبش آشتی ملی و راهنمایی و پشتیبانی این گروه فعال و واقع بین سیاسی از پیشنهاد جبهه جمهوریخواهان ایران به درستی در بالا یاد کرده بودند. این گروه مردم دوست و ملی میهنی طی سال های گذشته راه درازی را در روشن نمودن نقطه نظرهای مردم دوستانه و میهنی پیموده است و می تواند نقش بسیار موثر و درستی را در راه رهائی ایران از منجالب پر مخاطره و مهلك کنونی ایفا کند.

همانطور که آقای کوروش عرفانی عنوان کرده اند، همانطور که دیگر حامیان سرشناس پیشنهاد تشکیل جبهه جبهه جمهوریخواهان ایران طی نوشته های خود بیان کرده اند در وضعیت کنونی " جبهه جمهوریخواهان می تواند تبلور اراده جمعی ما برای بدست گرفتن سرنوشت ملی ایران باشد." منظور از «ما» ما مردم است، یا احزابی است که پرچم جمهوریخواهی را می بایست از سال ها پیش بلند می کردیم، ولی امروز نیز دیر نیست و اگر دیر باشد معنایی به جز این ندارد که لازم است تمام توان و نیرویمان را بر ضرورت ها و کاربردهای این امر حیاتی و آینده ساز متمرکز سازیم تا دیرکردمان را جبران کنیم. ما می توانیم

## صفحه پنجم

به سرعت گرد هم جمع شویم و بلافاصله یک الگوی مترقی و بسیار ساده و قابل اجرا از چگونگی تشکیل این جبهه تهیه کنیم تا مورد قبول اغلب ایرانیان در سراسر دنیا و در هر نقطه ای که یکصد نفر یا بیشتر ایرانی در آن سکونت دارد قرار گیرد و به مرحله اجرا گذاشته شود. ضرورتی حیاتی برای ایران و ایرانی دارد که این الگو با بهترین، ساده ترین و قابل اجرا ترین وضع و حالت ممکن به سرعت آماده شود. بدیهی است چنانچه آقای عرفانی نیز به درستی اشاره کرده اند هر تجمع و هر شعبه ای از این "جبهه" نه تنها می تواند، بلکه حق دارد که در رفع کمبودهای این الگو و در حقیقت در بهتر نویسی آن فعالانه در ابتدای کار شرکت کند تا مورد قبول همگان واقع شود.

**هم میهنان هوشیار و باشرف:**

کلید نجات و حل معمای ایران به دست یکایک ما مردم ایران است و بس. قدم پیش گذارید، همدیگر را به خدمتی صادقانه به مردم مستأصل و بی پشتیبان در درون مرزهای سر زمین ستمدیده خود فراخوانید. بیانید چون سربازان صلح و دوستی دست به دست هم دهیم تا مردمان صلح دوست جهان موجودیت آشکار و نیرومند ما را ببینند و به یاری مان بشتابند. هیچ ظالم و جبار و خونخواری را در برابر ارتش عظیم مردم تاب مقاومت نبوده و نخواهد بود. مطمئن باشید.

[www.chebayadkard.com](http://www.chebayadkard.com) را در حال حاضر و حتی اگر بخواهید به طور موقتی به عنوان نوکران اداره کارگزینی **جبهه جمهوریخواهان ایران** پذیرا شوید. با این پایگاه اینترنتی و نوکران آماده به خدمت خود تماس بگیرید تا اسامی شما را با نظم و ترتیبی که لایق شما باشد در این دفتر ثبت کند و نظرها و پیشنهادهایتان را چنانچه بخواهید برای اطلاع دیگران منتشر کند.

شماره تلفن پیغام گیر در آمریکا: 512-346-5754

شماره نمابر (فاکس) در آمریکا 512-342-7899

شماره تلفن همراه در آمریکا فقط از 8 تا 14 ماه آوریل جاری 512-577-7899

به پیغام های تلفنی و نیز به ای میل های شما از تاریخ 14 ماه آوریل جاری به بعد پاسخ داده خواهد شد. دلیل این امر آغاز برنامه های تلویزیونی با عنوان «چه باید کرد؟» در تلویزیون آپادانا اینترنتشنال است. برنامه های این تلویزیون در حال حاضر در سراسر آمریکا و کانادا دیده می شود و از یک تا حد اکثر دو هفته دیگر از شهر سن هوزه واقع در شمال کالیفرنیا به سوی ایران و جهان نیز پخش خواهد شد. تصویر این تلویزیون در سراسر آمریکا و کانادا از طریق امواج ماهواره ای (دیش) دریافت می شود. برنامه چه باید کرد؟ در غروب روزهای چهارشنبه، پنجشنبه و جمعه نهم تا دوازدهم ماه آوریل در تلویزیون آپادانا اینترنتشنال پخش می شود. برای بهبود این برنامه ها به همکاری، شرکت، اجرا و دخالت مستقیم همه شما هم میهنان آزاده نیاز مبرم است.

خدمتگزار - محمد حسینی

